

تاریخ وصول: ۹۱/۱۰/۱۴

تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۲/۲۰

## جایگاه کرامت انسان در حقوق بشر اسلامی

شکوفه پورحسن<sup>۱\*</sup>

فاطمه فلاحی<sup>۲</sup>

۱. دانشجوی دوره دکتری حقوق بین الملل و مدرس دانشگاه، تهران، ایران

۲. دانشجوی دوره دکتری حقوق بین الملل و مدرس دانشگاه، تهران، ایران

### چکیده

بسیاری از فلاسفه حقوق بر این باورند که ریشه تاریخی حقوق بشر به دو قرن اخیر بازمی‌گردد و آثار دانشمندانی چون لاک، نقش انکارناپذیری در به وجود آمدن و پیشرفت حقوق بشر داشته است. لذا حقوق بشر هیچ جایگاهی در تعالیم دینی ندارد. به نظر نگارندگان اگر با دیدی کلی به اهداف حقوق بشر و تعلیمات دینی بنگریم، پی می‌بریم که ادیان الهی نقش بسیار مهمی در ارتقاء حقوق بشر داشته‌اند. بنابراین تردیدی نیست که مفاهیم عالی‌ه انسانی مانند کرامت انسانی، آزادی، برابری و ... ریشه در تعالیم الهی دارد و دین کمک بسیاری بر پیشرفت حقوق بشر داشته است. این مقاله بر آن است تا یکی از مفاهیم اولیه و بنیادین حقوق بشر یعنی کرامت انسانی را در تعالیم اسلامی مورد بررسی قرار داده و جایگاه آن را در اسلام تحلیل نماید.

**واژگان کلیدی:** اسلام، حقوق بشر، میثاق حقوق مدنی و سیاسی، اعلامیه

حقوق بشر اسلامی، کرامت انسانی.

۱۲۳

فصلنامه مطالعات

حقوق بشر اسلامی

جایگاه کرامت انسان در حقوق بشر اسلامی

شکوفه پورحسن و همکار

## مقدمه

اندیشه حقوق بشر مبتنی بر این باور اخلاقی است که هر موجود انسانی حق برخورداری از رفتار مطلوب را دارد؛ به عبارت دیگر، حق این که به عنوان انسان، با او رفتار شود. این یک اندیشه جدید نیست. اگرچه پیدایش اسناد بین‌المللی برای تضمین اجرای حقوق بشر، عمدتاً یک پدیده مربوط به پس از جنگ جهانی دوم است، اما این فکر که برخی از حقوق بنیادین و انکارناپذیر، به طور طبیعی به شخص انسان متعلق است، بسیار قدیمی‌تر از پدیده دولت مدرن است. (Harris, 1997: 600)

اندیشه حقوق طبیعی بنیادین و انکارناپذیر انسان، در نظام‌های قرون وسطی نیز نقش مهمی ایفا کرده است. علی‌رغم استدلال‌های مخالف، مبنی بر اینکه مفهوم حقوق بشر متفاوت از مفهوم حقوق طبیعی است، همواره رابطه‌ای قوی میان حقوق بشر امروزی و نظریه اولیه حقوق طبیعی وجود دارد. شکوفایی کامل اندیشه حقوق بشر، امروزه به هیچ‌وجه آن را از ریشه‌های حقوق طبیعی‌اش جدا نمی‌کند. با نظر به گذشته، مکتب حقوق طبیعی، به طور سنتی، بخشی از حقوق نانوشته الهی تلقی می‌شد. حقوق طبیعی توسط فیلسوفان حقوق، مانند گروسیوس و پوفندرف، از ریشه‌های مذهبی‌اش جدا، و بر پایه خردگرایی و ضرورت اخلاقی استوار شد. (گروه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

حقوق اسلام که بر مبنای الهی و پذیرش فرامین عقل سلیم و ضرورت اخلاقی استوار است، معتقد است که انسان، از سوی خدا، از حقوق ذاتی و طبیعی، برخوردار شده، به طوری که هیچ مقام بشری نمی‌تواند آن حقوق را انکار یا سلب نماید.

یکی از نظریه‌هایی که مورد حمایت برخی از اندیشمندان حقوق بشر و نیز بعضی از علمای اسلامی قرار گرفته است، این است که حقوق بشر و حقوق اسلامی ناسازگار یا ناهمخوان هستند. متأسفانه باید اذعان کرد که سابقه حقوق

بشر در بسیاری از کشورهای مسلمانی که در حال حاضر، حقوق اسلامی را اجرا می‌کنند، حاکی از رفتار و رویه مطلوب این دولت‌ها در این زمینه نیست. اما باید خاطر نشان کرد که نامطلوب بودن سابقه حقوق بشر در یک کشور اسلامی، لزوماً قابل انتساب به احکام و فرامین حقوق اسلام یا شریعت نیست؛ زیرا شریعت، هم به لحاظ اخلاقی و هم به لحاظ حقوقی، ارتقاء و حمایت مؤثر از حقوق بشر را در نظام حقوقی و سیاسی اسلام، توصیه و امر می‌کند.

درست است که جنبش تصویب اسناد بین‌المللی حقوق بشر از غرب آغاز شده است، و کشورهای غربی پرچم‌دار جریان ارتقاء حقوق بشر بین‌المللی هستند، اما این به آن معنا نیست که مفهوم حقوق بشر در تمدن‌های غیر غربی، از جمله فرهنگ و حقوق اسلام، وجود ندارد یا آن که پذیرفتنی نمی‌تواند باشد (Said, M. E ۱۹۹۷: ۱۱). اگر محتوای حقوق اسلام بررسی شود، روشن می‌گردد که برخی نظریه‌ها نه تنها تحسین‌برانگیز هستند، بلکه چنین نگاهی به نوع انسان در جامعه جاهلیت عربستان بسیار شگفت‌انگیز می‌باشد.

در این مقاله نویسندگان تلاش دارند به بررسی مفهوم حقوق بشر و کرامت انسانی در اسناد بین‌المللی پرداخته و گزاره‌های شریعت مقدس اسلام را در این خصوص تبیین نموده و میزان انطباق اسناد بین‌المللی با موازین اسلامی را مورد بررسی قرار دهد. بدین منظور ابتدا به تعریف حقوق بشر اسلامی و بین‌المللی پرداخته، سپس کرامت انسانی را در اسلام و اسناد بین‌المللی تبیین شده است.

## ۱ - تعریف حقوق بشر

دانلی در پاسخ به این پرسش که حقوق بشر چیست؟ بیان می‌دارد که «حقوق بشر حقوقی است که هر فرد، صرفاً از آن جهت که انسان است، دارا می‌باشد». (Donnelly, J. ۱۹۸۲: ۳۰۳)

کرانستن نیز حقوق بشر را «نامی که قرن بیستم به حقوق طبیعی سستی داده

است»، توصیف می‌کند. (Cranston, M ۱۹۷۳: ۱)

این تعاریف نشان دهنده آن است که هر چند عنوان حقوق بشر ممکن است یک پدیده جدید باشد، اما مفهوم آن بسی قدیمی‌تر از آن است و هر موجود انسانی، به طور طبیعی نسبت به آن استحقاق دارد.

حقوق بشر در معنای آزادی؛ مستقل یا قرین قدرت موضوعیت پیدا می‌کند. مفهوم اول تحت عنوان آزادی - استقلال یاد می‌شود، در قلمرو استقلال فردی و خارج از اجبار و الزام اجتماعی و به دور از انقیاد و تابعیت سیاسی قرار می‌گیرد. و در مفهوم دوم عبارت از آزادی<sup>۹</sup> مشارکت است که بر اساس آن، هر یک از افراد حق مشارکت آزادانه در اداره امور عمومی و مدیریت سیاسی را، بدون هرگونه فشار اجتماعی، دارا هستند (هاشمی ۱۳۸۴: ۹). در واقع این دو مفهوم، به مفهوم سیاسی حقوق بشر اشاره می‌نمایند.

از نظر حقوقی می‌توان آن را مجموعه‌ای از امتیازات متعلق به افراد یک جامعه و مقرر در قواعد موضوعه دانست، که افراد، به اعتبار انسان بودن و در روابط خود با دیگر افراد جامعه و با قدرت حاکم، با تضمینات و حمایت‌های لازم، از آن برخوردار می‌باشند. (پیشین: ۱۲)

بنابراین نظام بین‌المللی حقوق بشر، نظام حقوقی است که از افراد و گروه‌ها در برابر تجاوز دولت‌ها حمایت می‌کند. حقوق بین‌الملل سنتی منحصرأ بر روابط دولت‌ها حکومت دارد. بر این مبنا تنها دولت‌ها مشمول حقوق بین‌الملل بوده و بر مبنای آن دارای حقوق هستند.

## ۲ - حقوق بشر بین‌المللی

دولت مدرن با این ادعا که دولت، قدرت برتر در یک سرزمین معین است و هیچ متابعتی از هیچ نظام حکومتی انسانی دیگر نمی‌کند، زمینه‌ساز یک واکنش نیز بوده است. حاکمیت می‌تواند به مثابه ابزار حقوقی دفاع در برابر قدرت‌های

خارجی قابل پذیرش باشد. اما اعمال همین فلسفه به ندرت در سطح داخلی، در برابر فرودستان و حکومت‌شوندگان، مدت مدیدی نافی محدودیت‌ها و مهار قدرت پادشاهان و شاهزادگان بوده است. بنابراین چالش حقوق بشر به صورت اجتناب‌ناپذیری با تاریخ دولت مدرن گره خورده است. حقوق بشر برای آشتی دادن کارایی قدرت دولت و حمایت علیه قدرت همان دولت در نظر گرفته می‌شود. (شریفی طراز کوهی ۱۳۸۵: ۷۸)

می‌توان گفت که نظام جدید بین‌المللی حقوق بشر، یک پدیده بعد از جنگ جهانی دوم است. قساوت‌های دیکتاتوری نازی، راه را برای درک جدیدی از رابطه بین فرد، دولت و جامعه بین‌المللی فراهم آورد. دیگر هرگز نمی‌توان بر این باور بود که انسان‌ها تحت صلاحیت انحصاری دولت متبوعشان قرار دارند. (پیشین: ۱۰۲)

حقوق بشر و کرامت انسان، به لحاظ مفهومی، تا حد بسیار زیادی منطبق با یکدیگرند. لذا محتوای حقوق بشر اساساً شامل آن حقوقی است که بدون آن، هیچ کرامتی برای بشر نمی‌تواند وجود داشته باشد. حقوق بشر وسیله‌ایست برای حمایت و ارتقاء کرامت و ارزش افراد آدمی.

### ۳- حقوق بشر اسلامی

بحث حقوق بشر از دیدگاه اسلام صرفاً یک بحث انفعالی و تطبیقی نیست، که با مطرح شدن آن در قرون اخیر در جوامع غربی، ما به دنبال تطبیق موازین اسلامی با اندیشه غربی باشیم. اصولی چون کرامت انسانی، آزادی، برابری، تأمین اجتماعی، تعلیم و تربیت، احترام به مالکیت خصوصی، حمایت از حقوق زنان و کودکان ... از مفاهیم و مقوله‌های حقوقی و سیاسی آشنا در فقه و موازین اسلام است. بدون تردید با مراجعه به نصوص اسلامی و تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی جوامع اسلامی در طول ۱۵ قرن، می‌توان به وضوح به این حقیقت پی

برد، و وجود یک تصور و اندیشه مشخص در زمینه مسائل حقوق بشر را دریافت. و این نکته را دریافت که مسائل حقوق بشر چه در تئوری و چه در عمل همواره در تاریخ اسلام مطرح و مورد توجه بوده است. (عمید زنجانی ۱۳۷۰: ۲۶)

اندیشه حقوق بشر در اسلام بر مبنای تفکر توحیدی است نه اومانیسیم. انسان مخلوق خداست و تابع قوانین کلی آفرینش و اراده تکوینی خداوند است و در عمل نیز باید از اراده تشریعی خدا پیروی کند. و در عین حال بشر در عمل آزاد است. (جعفری ۱۳۷۰)

لازم به ذکر است تمام آن چه که تحت عنوان حقوق بشر اسلامی مطرح می‌شود از احکام تأسیسی اسلام نیست؛ بلکه بخشی از مفاهیم، جزء احکام امضایی اسلام است.

#### ۴- کرامت انسانی<sup>۲</sup>

رویکرد ما به حقوق بشر چه از منظر اثبات‌گرایی باشد و چه از نگاه حقوق طبیعی، اجتناب از رجوع به مفهوم کرامت انسانی غیرممکن است. کرامت انسانی یا حیثیت ذاتی انسان که در اعلامیه جهانی حقوق بشر به عنوان مبنای اصلی برای تدوین حقوق بشر مورد نظر بوده، عبارت است از ملاحظه انسان از آن حیث که انسان است، و انسان از این حیث، عزیز، شریف و ارجمند است. هرگاه انسان به حکم انسان بودن، و نه به هیچ دلیل دیگری، ملاحظه گردد، احترام ذاتی و ارزش واقعی او لحاظ شده و شخصیت انسانی او ارجمند شناخته شده است. از آنجا که اموری از قبیل نژاد، رنگ، ملیت، زبان، دین، جغرافیا و ... ذاتی انسان نیستند، نمی‌توان ملاک ارج گذاری انسان‌ها باشند. لذا انسان صرف‌نظر از ویژگی‌های

<sup>۲</sup>. Human dignity

بیرون از ذاتش، شریف و بزرگ و ارجمند است. به عبارت دیگر اگر انسان ذاتاً ارجمند و گرامی است پس کرامت ذاتی انسان امری برون‌دینی است (بسته نگار ۱۳۸۰: ۳۲۶). اعتقاد به حیثیت و کرامت و برابری تمام افراد نوع بشر مانند بسیاری از دیگر اصول اساسی، تقریباً در تمام فرهنگ‌ها و تمدن‌ها و مذاهب مورد تأیید است (لویس ۱۳۷۷: ۳۰). انسان پیش از آن که به دین خاصی اعتقاد داشته باشد، چنان حیثیتی را داراست.

#### ۴-۱- کرامت انسانی در اسلام

بی‌تردید هیچ دین و مکتبی به اندازه اسلام بر کرامت انسان تأکید نکرده است. در نظر اسلام، انسان دارای مقام و شأن والایی است، و خدا سروری موجودات زمین و آسمان را برای او فراهم ساخته است. روح خدا در انسان دمیده شده و او شایسته تکریم و تعظیم است. از دیدگاه اسلام، تمام انسان‌ها از نقطه نظر ذات انسانی برابرند و همه از شرافت و کرامت انسانی برخوردارند. هم در قرآن و هم در سنت مقرراتی وجود دارد که بر کرامت آدمی به عنوان حقی خداداد و ذاتی هر انسان، بدون هیچ‌گونه تمایزی، تأکید می‌کند. «لذا اسلام قویاً کرامت انسانی را تصدیق می‌کند و تفکر حقوقی اسلام حفاظت و گسترش آنرا تأمین می‌نماید». (Baderin, M. A ۲۰۰۱: ۷۲)

البته قابل ذکر است که از نظر اسلام، همه انسان‌ها صرف‌نظر از دین و مذهب و اعتقادات، اعمال و رفتار آن‌ها دارای کرامتی هستند، هرچند که انسان با تقوا دارای فضیلت و کرامتی بیشتر است. به دیگر سخن، هر انسان دارای کرامتی ذاتی است. اما گروهی از انسان‌ها علاوه بر کرامت ذاتی دارای کرامت ارزشی یا اکتسابی نیز هستند که با تقوا به دست می‌آید: «ان اکرمکم عند الله اتقاکم». «بر اساس این دیدگاه، کرامت ذاتی انسان نردبان کرامت عندالله است، که با کسب آن، انسان دنیای دیگر را آباد می‌کند و لازمه این امر آن است که از ارتکاب

جنایت، خیانت و تعدی به حقوق دیگران خودداری کند. چون این امر انسان را از مقام انسانی ساقط می‌کند و راه را برای نیل به مقام کرامت عندالله می‌بندد». (جاودان ۱۳۸۴: ۲۱۸)

بنابراین در قرآن دو نوع کرامت، مطرح شده است:

الف) کرامت ذاتی؛ (ولقد کرّمنا بنی آدم و حملنا هم فی البر و البحر و رزقناهم من الطیبات و فضلنا هم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلاً). (اسراء: ۷۰)  
ب) کرامت عندالله یا کرامت ارزشی<sup>۳</sup> (جعفری ۱۳۷۰: ۲۸۰)؛ (ان اکرمکم عند الله اتقیکم).

قرآن مجید پس از مقام الوهیت، دومین مقام رفعت و شکوه هستی را برای انسان ترسیم ساخته و انسان را موجودی خداگونه و نماد تمام عیار آفریننده جهان در زمین تعریف کرده و سرشت آفرینش او را برتر از تمام موجودات زمینی و آسمانی نشان داده است.

استاد مطهری در این باره بیان می‌دارد:

«انسان اسلام تنها یک حیوان مستقیم القامه، که ناخنی پهن دارد، با دو پا راه می‌رود و سخن می‌گوید، نیست. قرآن انسان را مورد عالی‌ترین مدح‌ها و مستحق بزرگ‌ترین مذمت‌ها دانسته است. از سویی، او را از آسمان، زمین و فرشتگان برتر و از طرف دیگر، از چهارپایان نیز پست‌تر شمرده است. می‌توان ستایش‌های قرآن از انسان را در موارد ذیل برشمرد:

۱. انسان خلیفه خدا در زمین است. (بقره: ۳۰)

۲. ظرفیت علمی انسان بزرگ‌ترین ظرفیت‌هایی است که یک مخلوق می‌تواند

داشته باشد. (بقره: ۳۳-۳۱)

۳. انسان فطرتی خدا آشنا دارد و به خدای خویش در اعماق وجدان خویش

آگاهی دارد. (اعراف: ۱۷۲)

<sup>۳</sup>. اصطلاح «کرامت ارزشی» توسط استاد علامه جعفری به کار برده شده است.



۴. در سرشت انسان علاوه بر عناصر مادی که در دیگر جانداران وجود دارد، عنصری ملکوتی و الهی نیز می‌باشد؛ لذا انسان موجودی مرکب است از طبیعت و ماورای طبیعت، از جسم و جان. (سجده: ۹-۷)

۵. آفرینش انسان حساب شده است، وی موجودی برگزیده است. (طه: ۱۲۲)  
۶. او شخصیتی مستقل و آزاد دارد، امانت‌دار خدا می‌باشد و رسالت و مسئولیت دارد. از او خواسته شده است با کار و ابتکار خود زمین را آباد سازد و با انتخاب خود یکی از دو راه سعادت و شقاوت را اختیار کند. (احزاب: ۷۲؛ دهر: ۳)

۷. او از یک کرامت و شرافت ذاتی برخوردار است. خدا او را بر بسیاری از مخلوقات خویش برتری داده است. او آن‌گاه خویشتن واقعی خود را درک و احساس می‌کند که این کرامت و شرافت را در خود درک کند و خود را برتر از پستی‌ها، دانات‌ها، اسارت‌ها و شهوت‌رانی‌ها بشمارد. (اسراء: ۷۰)  
...». (مطهری بی تا: ۲۴۷-۲۵۲)

قائل شدن به چنین مقام و منزلتی برای انسان، مکتب اسلام را مکتبی انسانی ساخته است. بر این اساس نظام حقوقی آن در صدد تعالی شخصیت انسان می‌باشد.  
در دیدگاه قرآن تفاوت‌ها جنبه ارزشی ندارد، بلکه صرفاً مربوط به پیچیدگی‌های نظام آفرینش می‌باشد.

«یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا» (حجرات: ۱۳).

برای نفی هرگونه تبعیض ناروا در میان انسان‌ها پیامبر اکرم (ص) فرمود:  
«ایها الناس ان ربکم واحد و ان اباکم واحد، کلکم لآدم و آدم من تراب».  
(حرانی ۱۳۸۹: ۲۹)

ارزش و جایگاه هر انسان در جامعه، و در نهایت بسته به عمل اوست:

«قیمت کل امرء ما یحسنة»؛ «و کل نفس بما کسبت رهینه». (مدثر: ۳۸)  
اسلام امتیاز طلبی‌ها بر اساس زر و زور و سایر معیارهای مادی را مطرود  
شمرده و آن را مورد نکوهش قرار داده است.

«و قالو نحن اکثر اموالا و اولاد و نحن بمعذبین». (سباء: ۳۵-۳۶)  
رسول گرامی اسلام بخش عظیمی از حقوق فردی را در این خطاب تاریخی  
مشخص نمود؛ آن جا که فرمود:

«من اهان مومناً فقد بارزنی بالحرب و سباب المومن فسوق و قتاله کفروا کل  
لحمه معصیت و حرمة ماله کحرمة دمه: هر کس مؤمنی را بتراساند با من اعلام  
جنگ نموده است، ناسزا گفتن و جنگ نمودن با او کفر است و دست درازی به  
مال او نافرمانی خداست و احترام مال او مانند احترام خون اوست». (قمی ۱۳۸۴:  
۴۱)

در نظام حقوقی اسلام هرگونه عملی که به شخصیت افراد لطمه وارد کند،  
ممنوع است. غیبت، تجسس، عیب‌جویی، مسخره کردن، طعنه زدن، سخن‌چینی و  
تهمت از مواردی هستند که به آبروی انسان محترم لطمه وارد کرده و به همین  
جهت از آنها نهی شده است. هر یک از این موارد به جنبه‌هایی از احترام به  
شخصیت انسانی و کرامت انسان اشاره دارد (میر موسوی و حقیقت ۱۳۸۸:  
۲۲۳). آیات قرآن و احادیث در موارد مختلف ممنوعیت آن‌ها را صراحتاً بیان  
نموده است.

«یا ایها الذین آمنوا لا یسخر قوم من قوم عسی أن یكونوا خیراً منهم و لانساء  
من نساء عسی ان یکن خیراً منهن و لاتلمزوا انفسکم و لا تنازوا بالالقاب. بئس  
الاسمُ الفُسُوقُ بعدَ الایمانِ و من لم یُتَّب، فأولئک هم الظالمون \* یا ایها الذین  
آمنوا اجتنبوا کثیراً من الظن، ان بعضَ الظن اثمٌ و لا تجسسوا و لا یغتب بعضکم  
بعضاً: ای کسانی که ایمان آوردید! هیچ قومی، دیگری را به مسخره نگیرد؛ چه  
بسا آنان بهتر از شما باشند و هیچ دسته از زنان، زنان دیگر را مسخره نکنند چه

بسا آنان بهتر از شما باشند و از همدیگر عیب‌جویی نکنید و به نام‌های ناپسند یکدیگر را مخوانید که نام فسق بر کسی نهادن پس از ایمان به خدا، بسیار بد است و هر که توبه نکند، بسیار ستمکار است. \* ای اهل ایمان! از بسیاری از بدگمانی‌ها بپرهیزید، که برخی گمان‌ها گناه است و تجسس و غیبت همدیگر نکنید». (حجرات: ۱۱-۱۲)

پیامبر اکرم می‌فرماید:

«ان الله حرم من المسلم دمه و عرضه و ان یظن به ظن السوء: خداوند خون و آبروی مسلمان و بدگمانی به او را حرام کرده است». (القرطبی ۱۴۲۰: ۳۳۲)

در نظام حقوقی اسلام اصل اولی در مورد هر انسان برائت است؛ لذا نمی‌توان افراد را به جرمی متهم نمود و آنان را سرزنش و مجازات کرد، مگر اینکه دلیل کافی برای اثبات جرم وجود داشته باشد. این اصل در آیات و روایات بسیاری مورد تأکید قرار گرفته است. در قرآن کریم آمده است:

«و من یکسب خطیئةً او اثمًا ثم یرم به بریئاً فقد احتمل بهتانا و اثمًا مبیناً: هر کس لغزش یا گناهی که دستاورد اوست به بی‌گناه دیگری نسبت دهد، بار بهتان و گناهی آشکار را بر دوش گرفته است». (نساء: ۱۱۲)

تکریم شخصیت انسان در نظام اسلامی به حدی است که برای رعایت شخصیت مجرمان نیز مقرراتی وضع شده است. بازداشتن از اجرای حدود در مواقعی که هوا بسیار سرد یا بسیار گرم باشد و جلوگیری از اجرای حدود بر افراد زخمی و مریض تا زمانی که بهبود یابند، از جمله این مقررات است. (جرعاملی ۱۴۰۹: ۴۹۷)

در برخی از جرم‌ها که به هتک آبروی مسلمان و صدمه به شخصیت اجتماعی او منجر می‌شود، اسلام جبران آن را لازم دانسته است و در برخی دیگر برای آن مجازات تعیین شده است.

از پیامبر اکرم نقل شده است:

«الخلق کلهم عیال الله، فاحب الخلق الی الله من نفع عیال الله: تمامی خلق دودمان خدایند، محبوب‌ترین کس در میان خلق خدا کسی است که به دودمان خداوند سود رساند.» (شیخ کلینی ۱۳۸۷: ۱۶۴)

امام علی فرمودند:

«لاتکن عبد غیرک فقد جعلک الله حراً: بنده دیگری مباش که خداوند تو را آزاد آفریده است.» (نهج‌البلاغه)

حریت و آزادی از آرمان‌ها و اصول مترقی بشر و به طرز عالی نماینده کرامت انسان است، همان طور که بردگی و قید و بند نشان‌دهنده تحقیر آدمی است. این اصل مترقی را امام علی ۱۴ قرن قبل بیان نموده‌اند. ایشان در وصیت بی‌نظیر خود به مالک اشتر درباره مردم می‌فرمایند:

«و لا تکنن سبعا ضاریا تغنم اکلها، فانهم صنفان اما اخ لک فی الدین و اما نظیر لک فی الخلق: مانند حیوانی مباش که خوردنشان را غنیمت شمیری، زیرا آنان دو گروهند: یا همکیشان تو هستند، یا انسان‌هایی همانند تو.» (نهج‌البلاغه)

امام علی به استاندار خود توصیه می‌کند که مسلمان و غیرمسلمان را هم‌نوع بداند و به یک دیده به آن‌ها بنگرد و این تکریم انسان است به بهترین شکل.

همان‌گونه که ذکر شد، قرآن و اسلام، اصل کرامت ذاتی انسان را به صراحت تأیید کرده است. این یک اصل جهانی قرآن است، و اصل یا حکم قرآنی دیگری نیز در تعارض با آن قرار ندارد؛ و اگر هم تعارضی دیده شود، تعارض ظاهری است نه واقعی. اگر ما تعارضی در موازین اسلام می‌بینیم از جانب فهم ماست، نه از ناحیه حقیقت قرآن. برخی معتقدند پاره‌ای از احکام اسلام که برگرفته از قرآن است، در تعارض با حقوق بشر و در تعارض با حقوق بشر و در تعارض با کرامت ذاتی انسان‌اند. حکم ارتداد، تبعیض در میراث زن و مرد، حق تعدد زوجات برای مرد، برده‌داری، محدودیت یا نبود آزادی بیان، تبعیض در مورد

حقوق اقلیت‌ها و مسئله قصاص نمونه‌هایی از تعارض را باز می‌نمایاند.

در مقام پاسخ به این سؤال، باید یادآور شد که تردیدی نیست که دین اسلام حقوقی برای انسان تعریف کرده است که بسیار مترقی است. اگر ۱۴ قرن قبل را در نظر بگیریم اهمیت موضوع شفاف خواهد شد. تکریم ذاتی انسان، برادر خواندن انسان‌ها، احترام به اقلیت‌ها، مالیت شخصی و ... همه از افتخارات حقوق اسلام است. باید توجه نمود که قرآن از این موازین به عنوان اصل حقوقی یاد نمی‌کند؛ بلکه به عنوان اصل حقیقی آن‌ها را مدنظر دارد. عالم حقوق، عالم اعتبار است، حال آن که قرآن خبر از عالم واقع می‌دهد. آیات و روایات بسیاری در قرآن و سنت وجود دارد که نشان دهنده احترام اسلام به «انسان به ما هو انسان» است، و این‌گونه آیات و روایات می‌تواند مبانی مناسبی برای تأمل‌های نو و اندیشه‌های جدید در باب نگاه اسلام به حقوق بشر باشد. هرچند در فقه اسلامی از این حیث غفلت‌هایی صورت گرفته است، بسیاری از این آیات را می‌توان با در نظر داشتن این حیثیت، «آیات الاحکام» به حساب آورد. (مطهری بی‌تا، ج ۳: ۲۳۹)

اسلام اصول مترقی، روشن و جهانی دارد، و تنها نیاز به بازاندیشی‌های دقیق‌تر و اجتهادات تازه‌تری احساس می‌شود.

#### ۲-۴- کرامت انسانی در اسناد بین‌المللی و مطالعات فقهی

منشور ملل متحد با ذکر مصیبت از دو جنگ جهانی خانمان‌سوز، یکی از اهداف ملل متحد را در پیشبرد و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه قلمداد نموده است.

اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز بر حیثیت برابر تمام افراد و این که هر کس حق دارد که شخصیت او به عنوان یک انسان در مقابل قانون شناخته شود، تأکید داشته است. اعلامیه مذکور برای تضمین این اصل، اعلام می‌دارد که احدی را نمی‌توان در بردگی نگه داشت.

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز، ضمن تأکید بر حیثیت ذاتی انسان، دولت‌های متعهد را در احترام به حقوق انسانی و تضمین حق ذاتی حیات، منع شکنجه، منع بردگی و کار اجباری و منع توقیف و بازداشت خودسرانه متعهد نموده است.

کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی نیز در جهت تضمین منزلت انسانی می‌دارد: «هیچ کس را نمی‌توان تحت شکنجه یا مجازات یا رفتارهای غیرانسانی و تحقیر آمیز قرار داد.» در اعلامیه آمریکایی حقوق و تکالیف بشر نیز، برابری منزلت انسانی و حقوق مترتب بر آن برای همه افراد مورد تأکید قرار گرفته است.

#### ۱- اسناد بین‌المللی اسلامی حقوق بشر

##### ۱-۵- اعلامیه اسلامی جهانی شورای اسلامی اروپا

اعلامیه مزبور در سال ۱۹۸۰ از سوی شورای اسلامی اروپا که مرکز آن در لندن است، صادر شده و تلاش کرده است دیدگاه‌های جهانی اسلام را بیان کند. در مقدمه اعلامیه، به نظم الهی عالم خلقت و آفرینش انسان از سوی خدا به عنوان اشرف مخلوقات در روی زمین، و به دیدگاه اسلام در مورد تساوی انسان‌ها در اصل ارزش انسانی و رد امتیازات مبتنی بر نژاد، زبان، رنگ و قومیت اشاره شده است. همچنین نتیجه‌گیری شده که اسلام به افراد حقوق معین و آزادی‌هایی اعطا کرده است.

##### ۲-۵- اعلامیه حقوق بشر شورای اسلامی اروپا

این اعلامیه، دومین اعلامیه شورای اسلامی اروپاست که در زمینه دیدگاهی جهانی اسلام در مورد حقوق بشر در سال ۱۹۸۱ در لندن صادر شده و در اجلاس یونسکو در پاریس، رسماً اعلام شد. این اعلامیه حقوق بشر را از دیدگاه اسلام

مطرح می‌کند، که مقدمه مفصلی در ۱۲ بند دیدگاه‌های اسلامی را در مورد حقوق بشر و جامعه ایده آل اسلام را ترسیم می‌کند. این اعلامیه تا حدودی به سبک و سیاق اعلامیه‌ها و اسناد حقوق بشری، در ۲۳ ماده حقوق شناخته شده برای بشر را از دیدگاه اسلام بیان می‌دارد. هر ماده مشتمل بر یکی از عناوین حقوق بشری است. (مهرپور ۱۳۸۳: ۳۳۵)

از جمله عناوینی که مورد تأکید قرار گرفته است عبارت‌اند از: حق حیات، حق آزادی، حق تساوی، حق رسیدگی منصفانه، حق حمایت از افراد علیه شکنجه، حق داشتن پناهگاه، حقوق اقلیت‌ها و ...

#### ۵-۳- اعلامیه اجلاس کویت

کنفرانسی از سوی کمیسیون بین‌المللی حقوق دانان، دانشگاه کویت، اتحادیه وکلای عرب، در مورد حقوق بشر در اسلام در سال ۱۹۸۰، در کویت ترتیب یافت؛ و نتیجتاً «نتایج و توصیه‌های کنفرانس کویت» انتشار یافت. در واقع این اعلامیه، بیان دیدگاه‌ها و برداشت‌های اجلاس از موازین اسلامی در زمینه‌های مختلف می‌باشد، و در بسیاری از مسائل حقوق بشر که امروزه مطرح است، حق تقدم را به اسلام داده است. و در بخش دوم اعلامیه تحت عنوان توصیه‌ها، در زمینه حقوق بشر به دولت‌های اسلامی توصیه‌هایی می‌نماید که در قانون‌گذاری و اجرا آن‌ها را بکار بندند.

#### ۵-۴- اعلامیه قاهره در مورد حقوق بشر اسلام

از سوی کنفرانس اسلامی سه اعلامیه در رابطه با حقوق بشر منتشر شده است. اعلامیه نخست تحت عنوان «طرح اعلامیه حقوق و تکالیف اساسی انسان در اسلام» در سال ۱۹۷۹ در مکه منتشر شده است. دیگری، «طرح سندی در رابطه با حقوق بشر در اسلام» که در سال ۱۹۸۱ در کنفرانس سران سازمان در طائف

تصویب شد. و سوم، «اعلامیه قاهره در مورد حقوق بشر در اسلام»، که در سال ۱۹۹۰ در قاهره تصویب شد. و می‌توان گفت رسمی‌ترین اعلامیه حقوق بشر اسلامی است.

از نظر حقوق بین‌الملل این اعلامیه صرفاً بیان تلقی مشترک از حقوق بشر اسلامی است و نه یک کنوانسیون یا معاهده الزام‌آور بین‌المللی. (پیشین: ۳۴۶)

این اعلامیه به سبک اعلامیه جهانی حقوق بشر، بر شرافت و کرامت انسانی تکیه کرده و تعدادی حقوق لازم‌الاجرا را برشمرده است. این اعلامیه به جنبه عملی و کاربردی توجه کرده است. همگرایی‌ها و واگرایی‌هایی در دو اعلامیه وجود دارد، اما به هر حال تمایزات دو نظام معنایی اسلامی و غربی را نشان می‌دهد. (فیرحی ۱۳۸۴: ۴۳۲) به طور کلی می‌توان گفت، مهم‌ترین تفاوت بین اعلامیه جهانی و این اعلامیه، به نقش مذهب مربوط می‌شود.

۱۳۸  
فصلنامه مطالعات  
حقوق بشر اسلامی

سال دوم، شماره سوم، بهار ۱۳۹۲

### نتیجه‌گیری

تردیدی وجود ندارد اسلام دینی همه‌جانبه برای تمام زمان‌ها و مکان‌ها می‌باشد. همان‌طور که دیدیم اسلام اساساً مدافع حیثیت و کرامت انسانی بوده و موازین و آموزه‌های آن صراحتاً احترام به نوع انسان فارغ از نژاد، رنگ، جنسیت، قوم و ... را مورد تأکید قرار داده است. مستند این ادعا آیات و احادیث بسیاری است که تفصیلاً مورد بحث قرار گرفت. قرآن کریم انسان را بی هیچ قید دیگری، متعلق تکریم الهی قرار داده است. بنابراین اندیشه احترام به کرامت انسانی، تفکری نیست که نظام فلسفی غربی مبدع آن باشد، و اندیشمندان اسلامی به دنبال تطبیق موازین اسلام با این تفکر باشند؛ بلکه این اندیشه قرن‌ها توسط قرآن و سنت مورد تأکید قرار گرفته است.

لذا دین اسلام خدمت‌گذار و توسعه‌دهنده اصل کرامت انسانی است. و در پاسخ به این پرسش که بسیاری از مسائل فرعی فقهی در تعارض با اصل کرامت



انسانی قرار دارند، باید بگوییم که باب اجتهاد و نظر همچنان گشوده است. آموزه‌های دینی، از قرآن تا نصوص دینی، چنان تأکیدی بر اصل کرامت انسانی دارند که می‌توان گفت اگر پاره‌ای از احکام فقهی فرعی با این اصل ناسازگار باشند، باید از آن به نفع اصل کرامت چشم‌پوشی کرد. لذا اگر کرامت انسانی، اصلی قرآنی است و مفهومی پویا، باید اجتهاد در احکام با این اصل پویا همگام شود. گشودن باب اجتهاد در اسلام برای آن است که فقیهان با ملاحظه زمان و مکان و مقتضیات عصر، و توجه به ایده‌های کلی دین، به نیازهای زمان پاسخ گویند.



## منابع

### الف. فارسی:

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- نهج البلاغه.
- ۳- بسته نگار، محمد، ۱۳۸۰. "حقوق بشر از منظر اندیشمندان". تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ۴- حر عاملی، ۱۴۰۹ق. "وسائل الشیعه". جلد ۱۸. قم: مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث.
- ۵- حرانی، ابومحمد، ۱۳۸۹. "تحف العقول". ترجمه صادق حسن زاده. قم: نشر آل علی.
- ۶- جاودان، محمد، ۱۳۸۴. "نواندیشی دینی در اسلام و تأملاتی در کرامت ذاتی انسان و حقوق بشر". مرکز مطالعات حقوق بشر دانشگاه مفید. مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی حقوق بشر.
- ۷- جعفری، محمدتقی، ۱۳۹۰. "جبر و اختیار". قم: موسسه تدوین و نشر آثار استاد علامه محمدتقی جعفری.
- ۸- \_\_\_\_\_، ۱۳۷۰. "تحقیق در دو نظام حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب". تهران: دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران.
- ۹- عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۳۷۰. "تاریخچه حقوق بشر در اسلام". نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۲۷.
- ۱۰- شریفی طراز کوهی، حسین، ۱۳۸۶. "حقوق بشر". تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- ۱۱- قمی، عباس، ۱۳۸۴. "سفینه البحار". ج ۱. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

۱۴۰

فصلنامه مطالعات

حقوق بشر اسلامی

سال دوم، شماره سوم، بهار ۱۳۹۲

- ۱۲- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۸۷، "اصول کافی". ترجمه سید مهدی آیت‌اللهی. تهران: نشر جهان آرا.
- ۱۳- صفایی، سید حسین، ۱۳۷۰. "حقوق بشر در اسلام و اعلامیه جهانی حقوق بشر". نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۲۷.
- ۱۴- لوین، لیا، ۱۳۷۷. "پرسش و پاسخ درباره حقوق بشر". ترجمه محمدجعفر پوینده. تهران: نشر قطره.
- ۱۵- فیرحی، داوود، بی‌تا. "اسلام و حقوق بشر؛ گزارشی نشانه شناختی". مرکز مطالعات حقوق بشر دانشگاه مفید، مجموعه مقالات.
- ۱۶- القرطبی، محمد بن احمد الانصاری، ۱۴۲۰ ق. "تفسیر قرطبی". ج ۱۶. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ۱۷- مطهری، مرتضی، بی‌تا. "مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلام". قم: نشر صدرا.
- ۱۸- ———، بی‌تا. "یادداشت‌ها". ج ۳. قم: نشر صدرا.
- ۱۹- مهرپور، حسین، ۱۳۸۳. "نظام بین‌المللی حقوق بشر". چاپ دوم. تهران: انتشارات اطلاعات.
- ۲۰- میرموسوی، سید احمد و حقیقت، سید صادق، ۱۳۸۸. "مبانی حقوق بشر از دیدگاه اسلام و دیگر مکاتب". چاپ چهارم. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ۲۱- هاشمی، سید محمد، ۱۳۸۴. "حقوق بشر و آزادی‌های اساسی". تهران: نشر میزان.

## ب. انگلیسی

- ۱- Harris, D. J, ۱۹۹۷. Cases and Materials on International Law ۵<sup>th</sup> Ed. London: Sweet and Maxwell.
- ۲- Said, M. E, ۱۹۹۶. Islam and Human Rights RowaqArabi.
- ۳- Donnelly, J. ۱۹۸۲. human rights and Human Dignity: An Analytical Critique of Non-western Conceptions of Human rights the American political Science Review.
- ۴- Cranston, M, ۱۹۷۳. What Are Human Rights??. London: the Bodley head.
- ۵- Baderin, M. A, . Establishing Areas of Common ground between Islamic Law and International Human Rights .The International Journal of Human Rights, N .



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی